

بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مالیه دهندگان متوسط در ولایت بلخ - افغانستان

محمد عثمان اکرمی^۱، محمد حکیم صاحبزاده^۲، محمد شعیب جهش^۳

^۱ استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه بلخ

^۲ استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه بلخ

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد MFA دانشگاه بلخ (نویسنده مسئول)

چکیده

فرار مالیاتی می‌تواند بر اثر بخشی سیاست‌های اقتصادی نیز اثرگذار باشد، زیرا این‌گونه سیاست‌ها بر اساس شاخص‌های رسمی (همانند بیکاری، تعداد نیروی کار، درآمد و مصرف) صورت می‌پذیرد و این در حالی است که وجود اقتصاد زیرزمینی سیاستمداران را با مشکل روبه‌رو ساخته و منجر به این می‌گردد که سیاست اقتصادی درست و مناسبی اعمال نگردد. لذا اگر بتوان عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی را شناسایی کرد، آنگاه سیاست‌گذاران به راحتی می‌توانند از سیاست‌های مناسب در جهت حداقل نمودن هزینه‌های فرار مالیاتی را بکار گیرند. هدف از این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در ولایت بلخ سال (۱۳۹۷)، مطالعه موردی مالیه دهندگان متوسط هست. انتظار می‌رود در طراحی سیستم مالیاتی مورد استفاده قرار گیرد، بر علاوه ممکن است به عنوان مبنی برای مطالعات بیشتر مورد استفاده قرار بگیرد. تحقیق حاضر، تحقیق کاربردی نوع توصیفی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه به دست آمده و جامعه آماری این تحقیق را کلیه شرکت‌های که از پرداخت مالیه فرار نمودند؛ تشکیل می‌دهد. نمونه آماری تحقیق حاضر با استفاده از جدول مورگان به تعداد (۲۵۱) شرکت نمونه انتخاب گردیده است. برای تجزیه و تحلیل از آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف، فریدمن، الفای کرونباخ و ضریب همبستگی استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد که تفاوت معنی‌دار بین نرخ بالای مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم با فرار مالیاتی وجود دارد. آزمون فریدمن نشان داد که فساد اداری و قوانین مقررات پیچیده از جمله عوامل مهم در فرار مالیاتی مالیه دهندگان متوسط در ولایت بلخ محسوب می‌گردد. خروجی آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و قوانین پیچیده همبستگی قوی و معنی‌دار، بین تورم و سرمایه اجتماعی نیز همبستگی قوی و معنی‌دار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: فرار مالیاتی، نرخ مالیات، سرمایه اجتماعی، تورم و پیچیدگی قوانین و مقررات

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات دو پدیده‌ای هستند که احتمالاً قدمت آن به خود پدیده مالیات ستانی برمی‌گردد. هرزمانی که حاکمان تصمیم به وضع مالیات گرفته‌اند، افراد و بنگاه‌ها نیز به دنبال فرار و یا اجتناب از پرداخت بوده‌اند. این پدیده در عصر حاضر که به عصر دیجیتال نیز معروف است، روبه گسترش بوده و فرصت‌های این واحدها بیشتر شده و درعین حال امکان شناسایی آن‌ها نیز مشکل‌تر گردیده است (صمدی، ۱۳۹۲: ۸۰).

از سوی دیگر فرار مالیاتی مسئله‌ای است که از چند جهت می‌تواند بر اقتصاد اثرگذار باشد. نخست اینکه، توانایی دولت را در جمع‌آوری مالیات و برآوردن نیازهای بودجه‌ای کاهش می‌دهد. درواقع، فرار مالیاتی با کاهش درآمد مالیاتی، توزیع بار مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده می‌تواند؛ از طریق محدود کردن گزینه‌های مورد انتخاب دولت، سیاست مالی را با مشکل روبه‌رو سازد. دوم اینکه، فرار مالیاتی می‌تواند یک سلسله تبعات منفی دیگر نیز برای اقتصاد به دنبال داشته باشد. برای مثال، تحمیل بار بر بودجه دولت، با مشکل روبه‌رو ساختن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و تأثیر منفی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه بخش خصوصی همراه است. فرار مالیاتی کمابیش گریبان گیر تمام، دولت‌ها بوده دراین‌بین تنها میزان آنست که در جوامع مختلف تغییر می‌یابد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸).

بنابراین ضرورت اصلاح و تجدیدنظر در نظام مالیاتی کشور و استفاده از منابع و روش‌های مدرن مالیاتی می‌تواند از جمله راهکارهای اساسی جهت بهبود وضعیت اقتصاد ملی باشد. از دیدگاه اجتماعی نیز، توسعه بخش مالیاتی و وابستگی بیشتر دولت بر درآمدهای مالیاتی مردم، باعث تقویت ساختاری دموکراسی گردیده و نظارت مردم بر ارکان حکومت را توسعه بخشد. نکته مهم دیگر آن است که در جامعه‌ای که مصارف هزینه‌ای و سرمایه دولت به‌طور عمده از طریق منابع مالیاتی تأمین می‌شود، کارایی و اثربخشی در حداکثر حالت خود قرار می‌گیرد. شناسایی و کشف فرار مالیاتی باعث کاهش هزینه‌ها و وصول مالیات‌ها می‌شود و در نتیجه رضایتمندی افزایش می‌یابد. در این تحقیق در جستجوی آن هستیم تا عوامل فرار مالیاتی مالیه دهندگان متوسط در ولایت بلخ را جستجو نماییم.

پیشینه تحقیق:

حیدری (۱۳۹۳) به بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی مالیه دهندگان (متوسط) در ولایت بلخ پرداختند. نتایج پژوهشی وی نشان می‌دهد که بین فرار مالیاتی و متغیرهای مستقل (نرخ مالیاتی، سرمایه - اجتماعی، پیچیدگی قوانین و مقررات و تورم) رابطه معناداری وجود دارد. همچنان جهت نارمل بودن متغیرها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف صورت گرفته که تمام متغیرها دارای توزیع نورمال نبوده‌اند. آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و نرخ مالیات که نرخ همبستگی وجود ندارد، تمام متغیر دارای همبستگی هست (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۴).

هادیان در سال (۱۳۹۲)، به بررسی رابطه میان فرهنگ و فرار مالیاتی پرداختند. آن‌ها با استفاده از ۱۰۵ پرسشنامه تکمیل‌شده و در نظر گرفتن سه متغیر اجرای قانون، اعتماد به دولت و اعتقادات دینی به‌عنوان متغیرهای فرهنگی، دریافتند که بین اجرای قانون و فرار مالیاتی نیز یک رابطه مثبت قوی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین میان میزان اعتماد به دولت و فرار مالیاتی نیز یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت، ولی در مقابل، بین دین‌داری و فرار مالیاتی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود نداشته است (هادیان، ۱۳۹۲: ۴۸).

به نقل قول از لاری دشت‌بیاض و همکاران، بانهون و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی عوامل زمینه‌سازی مؤثر بر رفتارهای غیراخلاقی در حرفه حسابداری در کشور ترکیه از دیدگاه فلسفی پرداختند، نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داده ۴۴ عوامل در پیدایش رفتار غیراخلاقی نقش دارد؛ که این رفتارهای غیراخلاقی، صداقت‌های غیراخلاقی، صداقت و پابندی آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری را بیشتر از سایر زمینه‌ها تحت تأثیر قرار داده و تضعیف نموده است. نتایج همچنین نشان داده، درخواست‌های غیراخلاقی، (مبنی

بر انجام فرار مالیاتی). تحمیل شده از جانب صاحب کاران تأثیر به سزای بروز این اخلاقی‌ها دارد و یکی از عوامل دیگری که تأثیر بسزای بر روی انجام رفتار غیراخلاقی حسابداران داشته است، عدم آگاهی آن‌ها از تأثیرات مخرب رفتارهای غیراخلاقی بر وجود و حیات هر حسابدار بوده (لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱).

به نقل قول از امری؛ جعفری صمیمی و حمزه ای در سال، (۱۳۸۴) در مطالعه خود به بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در یک نمونه آماری با (۲۳۴) مشاهده از صنف طلا فروشان استان مازندران برای سال (۱۳۸۰) پرداخت و به صورت پرسشنامه‌ای، پرداخته‌اند، نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای تأثیرگذار بر فرار مالیاتی بر سه گروه کلی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی به- ترتیب، ضعف نظام گردش پولی، ضعف نظام اطلاعات مالیاتی، پیچیدگی قوانین مالیاتی، میزان بالای مالیات، سطح پائین خدمات عمومی دولت و تبعیض بین مؤدیان از اهمیت برخوردارند (امیری، ۱۳۹۴: ۲۲).

مهرانی و همکاران به بررسی رابطه مالیات ابزاری و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها از متغیرهای؛ مالیات بر درآمد، مالیات ابرازی، محافظه کاری، اجتناب مالیاتی استفاده نمودند. یافته‌های بررسی ۱۴۶ شرکت طی دوره‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۱ به صورت مدل پنل نامتوازن، مبین بر آن است که بین مالیات ابرازی و محافظه کاری با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. طوریکه با افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بیشتر تمایل دارند محافظه کاری نمایند و ضمن کاهش سود، صرفه جویی مالیاتی - نمایند تا این که به وسیله اجتناب مالیاتی درآمد خود را کاهش دهند (مهرانی، ۱۳۹۳: ۳۰).

رزمی و کاوسی (۱۳۹۴) پژوهشی را در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و پذیرش مالیاتی نقش میانجی‌گری اخلاق مالیاتی انجام داده‌اند آن‌ها در پژوهش خود از متغیرهای اخلاق مالیاتی، سرمایه اجتماعی، پذیرش مالیات استفاده نمودند. جامعه آماری پژوهش آن‌ها ۱۷۵ نفر از مؤدیان مالیاتی صنوف لوازم خانگی و زرگران شهرستان رشت تشکیل می‌دهند که ۱۶۳ نفر آن‌ها از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه خود از نرم افزارهای SPSS و لیزرل استفاده نمودند؛ نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی با ضریب استندرد (۰,۴۹) و معناداری (۵,۰۳) با متغیر اخلاق مالیاتی افراد رابطه دارد. همچنین اخلاق مالیاتی با تخمین استندرد (۰,۸۶) و معناداری (۶,۱۶) با پذیرش مالیاتی رابطه مثبت دارد. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه معنادار سرمایه اجتماعی، پذیرش مالیاتی و همچنین نقش میانجی‌گری اخلاق مالیاتی در رابطه میان این دو را در جامعه پژوهش تأکید می‌کند (رزمی، ۱۳۹۴: ۷۸).

crance g nourzad (۱۹۹۰) به بررسی فرار مالیات در ایالات کالیفرنیا بیان می‌کنند که از میان تمام عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، سطح درآمد افراد و نرخ مالیات نسبت به سایر عوامل از اهمیت بیشتر برخوردار هستند. آن‌ها پس از برآورد این گونه بیان می‌کنند که بنابر انتظار، نرخ مالیات درآمد هر دو با فرار مالیاتی رابطه مثبت داشته‌اند. علاوه بر این، آن‌ها با در نظر گرفتن متغیرهای جمعیتی اجتماعی بر فرار مالیاتی در ایالت تأثیرگذار نبوده‌اند (هادیان، ۱۳۹۲: ۴۸).

حجازی و همکاران در سال (۱۳۹۴) به بررسی مصونیت اجتماعی و تمکین مالیاتی در کشور ایران پرداخته‌اند، نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل و وابسته، مسئولیت اجتماعی شرکتی، تمکین مالیاتی رابطه معنی دار و مثبت تأثیرگذار وجود دارد؛ و برای نرمال بودن متغیرهای تمکین مالیاتی و مسئولیت اجتماعی از آزمون کلموگرو ف-اسمیرنوف استفاده نموده‌اند، نتایج این آزمون در سطح (۹۹) فیصد نشان دهنده نرمال بودن داده‌ها است که از ضریب همبستگی پیرسون (پارامتریک) استفاده نمودند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶).

به نقل قول از عزیز خانی، بهروز مهدلو در سال (۱۳۸۱) تحقیق به عنوان تحلیل اثر درآمدی در رسیدگی علی الرأس مالیات مشاغل، (بررسی موردی طلافروشی) در ادارات کل مالیات‌های شرقی تهران پرداخت و او در تحقیق از روش توصیفی استفاده نمود. نتایج تحقیق وی بدون کم و کاستی مطرح و نتایج آن از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد و با استفاده از رگرسیون بر- آن‌ها تحلیل صورت گرفته است، ابتدا پرسشنامه بین میزان مالیاتی توزیع و سپس ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان مورد بررسی قرار گرفته و بعداً پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با رسیدگی علی الرأس مشاغل، درآمدهای مالیاتی دولت کاهش می‌یابد و اگر مبنای رسیدگی علی الرأس را تغییر داده و اصلاح شود، درآمد واقعی دولت افزایش می‌نماید (عزیز خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲).

تورم

رشد سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی اثر قابل توجهی بر افزایش فرار مالیاتی دارد. با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، بسیاری از خانوارها زیرخط فقر قرار می‌گیرند. فقر و ناتوانی در تأمین حداقل درآمد، انگیزه ورود به اقتصاد زیرزمینی را افزایش می‌دهد که خود منجر به فرار مالیاتی بیشتر می‌شود. در این زمینه، "کرانی و نورزاد" (۱۹۸۶) در بررسی اثر تورم بر فرار مالیاتی برای اقتصاد ایالات متحده که نرخ تورم تأثیر مثبتی بر فرار مالیاتی داشته است (صمدی، ۱۳۹۲: ۸۲).

(۱۹۸۵) "O, Higgins" معتقد است که تورم می‌تواند بار مالیاتی حقیقی را افزایش دهد، لذا انگیزه کافی برای فعالیت در اقتصاد زیرزمینی را فراهم آورد. "Fishburn" (۱۹۸۷) معتقد است با وجود تورم و در صورتی که درآمد اسمی تغییر نکند، درآمد حقیقی قابل تصرف آینده کاهش خواهد یافت، لذا با فرض عدم وجود توهم پولی، پرداخت کنندگان مالیات سعی می‌نمایند تا با فرار از پرداخت مالیات به همان میزان درآمد قابل تصرف واقعی قبل برسند. وی نشان داد در صورتی که تابع مطلوبیت افراد دارای ویژگی ریسک‌گریزی نسبی باشد، آنگاه میزان فرار مالیاتی به همراه سطح قیمت آتی افزایش می‌یابد (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

پیچیده بودن قوانین مالیاتی

دستگاه مالیاتی باید از دیدگاه مالیات‌دهنده نیز ساده باشد. نورم‌ها و رویه‌ها باید تا حدی ساده باشد که تمکین مالیاتی را تشویق کند، برای کمک و ساده‌سازی دستگاه مالیاتی، اطلاعات خواسته‌شده در فرم‌ها باید به حداقل برسد و به‌سادگی از طریق دفاتر و سوابق مؤدی قابل استخراج باشد (نورانی و رضا، ۱۳۸۸: ۱۹).

Giles (۱۹۹۷) "معتقد است کاستی‌ها در نهاد مالیاتی و نبود یک نظام حقوقی مؤثر و کارآمد می‌تواند زمینه‌ساز تعویق مالیات باشد؛ بنابراین وی بر لزوم سازمان‌دهی دستگاه مالیاتی برای رسیدگی به اعتراض‌های مالیاتی، پیگردهای قانونی و وصول مالیات‌های معقول تأکید می‌کند (Akram mohammad, 2012: 219).

(۲۰۰۶) "Richardson" با بررسی عوامل متعدد اقتصادی و غیراقتصادی بر روی فرار مالیاتی دریافته است که بین تمامی عوامل مؤثر پیچیده بودن قوانین و مقررات مالیاتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. وی معتقد است که در بسیاری از کشورها پیچیده بودن قوانین و مقررات مالیاتی عامل اصلی فرار مالیاتی هست.

نتایج مطالعات حاکی آن است که همواره رابطه مستقیم بین فرار مالیاتی و پیچیده بودن قوانین مالیاتی وجود داشته است (تکسون و میلیرون، ۱۹۸۶: ۱۲۵).

نتایج مطالعه Johnson et al. (۱۹۹۷) نیز نشان‌دهنده آن است که بالا بودن سطح مقررات در کشورها منجر به افزایش نسبت اقتصاد زیرزمینی به تولید ناخالص داخلی می‌گردد. آن‌ها برآورد کرده‌اند که یک فیصد افزایش در شاخص مقررات، منجر به افزایش ۸٫۱ فیصد در سهم اقتصاد زیرزمینی می‌شود. همچنین سخت شدن قوانین و مقررات، مهمترین عاملی است که نهادها و افراد را به سمت اقتصاد زیرزمینی سوق می‌دهد.

همچنان بررسی‌های تجربی بانک جهانی نشان‌دهنده همبستگی شدید بین حکمرانی و فساد است. از این رو، این مرجع شاخص‌های اثربخشی دولت و کنترل فساد پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام نموده و شاخص‌های شش‌گانه‌ای را تحت عنوان "شاخص‌های حکمرانی خوب" معرفی کرده است. شاخص‌های حکمرانی خوب مشتمل بر شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کیفیت و مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد است. شاخص‌های فوق‌الذکر بوده و ذهنیت مردم، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به پدیده‌هایی عینی مصادیق فساد و مصادیق ناکارآمدی در بروکراسی دولت را اندازه‌گیری می‌نماید (محمد بیگی، ۱۳۹۳).

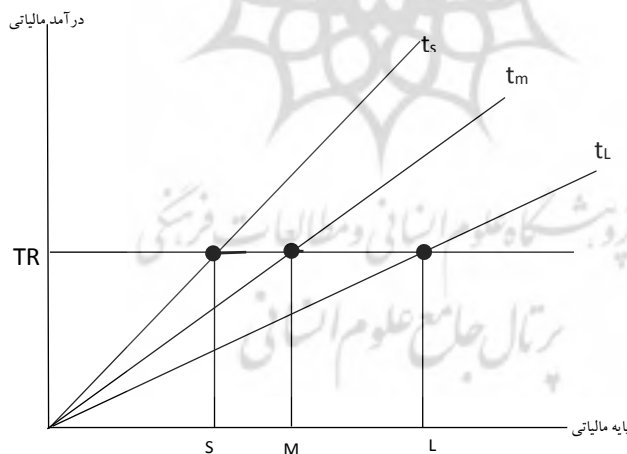
سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی را می‌توان به صورت وضعیت اعتماد عمومی در جامعه، در نظر گرفت. در این حالت و بر اساس مدل انتخاب عمومی، اعتماد مردم به دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان ارتکاب به فرار مالیاتی دارد. هر چه اعتماد مردم به وعده‌های دولت درباره ارائه خدمات عمومی بیشتر باشد، فرار مالیاتی کمتر خواهد بود. همچنان اعتماد به دولت به وسیله جکسون و میلیرون (۱۹۸۶) به عنوان یکی از شاخصه‌های فرار مالیاتی معرفی شده است. فله و فری (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که رابطه بین افراد و دولت به عنوان یک قرارداد روان‌شناختی می‌تواند با اعمال مثبت بر اساس اعتماد حفظ شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

نرخ مالیات

بار مالیاتی یا نرخ مالیاتی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده فرار مالیاتی محسوب می‌شود، طوریکه بنابر ادبیات اقتصاد بخش عمومی، افزایش نرخ یا بار مالیاتی (بجای گسترش پایه مالیاتی) عموماً منجر به کاهش انگیزه مؤدیان در پرداخت مالیات و به تبع آن افزایش فرار مالیاتی می‌شود (امین خاکی، ۱۳۹۱، ۴۰).

در اقتصاد، نرخ مالیات یک عبارت شناخته شده است که «با ثابت بودن سایر شرایط، هرچه قدر نرخ‌های نهایی مالیات بالاتر باشد، اقتصاد بیشتر به سمت اقتصاد زیرزمینی حرکت می‌کند». شاید به همین دلیل باشد که این دیدگاه بین سیاست‌گذاران از جذابیت خاصی برخوردار است و آن‌ها زمانی که به دنبال انجام اصلاحات در زمینه اخذ مالیات از درآمد شخصی افراد هستند، سعی می‌کنند که نرخ‌های نهایی مالیات را کاهش داده و پایه مالیاتی را افزایش دهند.



شکل (۱). مقایسه نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی در جهت دستیابی به یک درآمد مالیاتی ثابت

نرخ‌های بالای مالیاتی نیز از عوامل ایجادکننده انگیزه فرار مالیاتی هستند. به همین جهت در نظام‌های مالیاتی کارآمد سهمی می‌شود که با گسترش پایه‌های مالیاتی و در نتیجه کاهش نرخ مالیاتی به یک درآمد مالیاتی مشخص رسید. در زیر یک تصویر

^۱Marginal Tax rates

^۲Tax Base

از مقایسه نرخ های مالیاتی با توجه به گسترش پایه های مالیاتی تصویر شده است. در نمودار نمایشی زیر سه پایه مالیاتی با توجه به گستردگی کوچک، متوسط و بزرگ را با

سه نرخ مالیاتی نشان داده ایم که همگی منتهی به درآمد مالیاتی TR می شوند.

نرخ مالیات t_s برای پایه مالیات S که کوچک ترین پایه مالیاتی است درآمد مالیاتی TR را می دهد. این نرخ مالیاتی بسیار زیاده بوده و انگیزه بالایی فرار مالیاتی خواهد بود. در مقابل برای پایه مالیات گسترده L نرخ کوچک t_L را برای دستیابی به همان درآمد مالیاتی تجربه می کنیم؛ و بالاخره نرخ t_m پایه مالیات M نرخ و پایه متوسط را ارائه می کنند. اجرای نرخ کوچک t_p برای پایه گسترده L فرار مالیاتی را کاهش خواهد داد (پژویان، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

روش تحقیق

تحقیق حاضر، یک تحقیق کاربردی- نوع توصیفی هست. اطلاعات به دو روش جمع آوری گردیده است. بخش اول از روش کتابخانه ای و مطالعه اسنادی برای تدوین مباحث درج شده است. قسمت دوم برای تجزیه و تحلیل داده ها آماری از پرسشنامه استفاده گردیده است. جامعه آماری تحقیق را تمام شرکت های متوسط که از پرداخت مالیه فرار نمودند؛ تشکیل می دهد. نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان به تعداد (۲۵۱) شرکت نمونه انتخاب گردید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

داده ها پس از جمع آوری وارد نرم افزار **spss 25** گردید، سپس به منظور رتبه بندی عوامل از آزمون فریدمن استفاده گردیده که این آزمون مشخص می کند کدام عوامل تأثیر بیشتر برقرار مالیاتی در ولایت بلخ داشته است. برای نارمل بودن داده ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف و برای ثبوت فرضیه ها از خی دو استفاده به عمل آمده و برای دریافت رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی استفاده گردیده است.

پایایی پرسشنامه

برای سنجش پایایی یک ابزار (آزمون یا پرسشنامه) به دلیل عملکرد و طبیعت ابزار و چگونگی استفاده از آن در زمینه مورد استفاده متفاوت می باشد. گاهی هدف تعیین ضریب پایایی به معنای تعیین توافق درونی است که از روش های آلفای کرونباخ، کادر ایچارسون و دونیمه کردن استفاده کرد. ضریب آلفای کرونباخ معمول ترین ضریب پایایی ثبات داخلی است که در بیشتر مطالعات از آن استفاده کرد. مقدار آلفا باید حداقل ۰,۷ و یا بیشتر باشد تا یک سؤال بتواند در یک ابزار باقی بماند. پایایی برابر با ۰,۷ ثبات ۷۰٪ امتیازات یا نمرات به دست آمده از یک ابزار را نشان می دهد (بیگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

جدول (۱) پایایی پرسشنامه

Cronbach's Alpha	N of Items
.۷۶۸	۱۶

خروجی جدول ۳ آلفای کرونباخ و تعداد سؤالات یا متغیرها را ارائه می کند. از آنجایی که مقدار آلفای کرونباخ- (۰,۷۶۸) است، در سطح قابل قبول قرار دارد.

آمار توصیفی پاسخ دهندگان از نظر جنسیت

در جدول (۲) ذیل مشاهده می گردد که مقدار داده های مورد تأیید برابر با (۱۵۱) بوده و هیچ داده ناقص وجود ندارد. به بیان دیگر تمام پاسخ دهندگان، به سؤالات ذیل پاسخ ارائه نمودند. همچنین میانگین جنسیت، سن، تأهل و تحصیلات به جدول به ترتیب ۱/۸۸۱۷، ۱/۸۶۰۹، ۱/۶۰۲۶، ۱/۲۳۸۴ به دست آمده است.

جدول (۲) آمار توصیفی پاسخ دهندگان

	سن	جنسیت	تأهل	تحصیل
N Valid	۱۵۱	۱۵۱	۱۵۱	۱۵۱
Missing
Mean	۱.۸۶۰۹	۱.۱۷۸۸	۱.۶۰۲۶	۳.۲۳۸۴
Mode	۲.۰۰	۱.۰۰	۲.۰۰	۴.۰۰
Minimum	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰
Maximum	۴.۰۰	۲.۰۰	۲.۰۰	۵.۰۰
Sum	۲۸۱.۰۰	۱۷۸.۰۰	۲۴۲.۰۰	۴۸۹.۰۰

در جدول (۳) فراوانی و فیصدی پاسخ دهندگان از نظر سن را نشان داده است. جدول سن نشان می دهد که به تعداد (۵۷) نفر دارای کتگوری ۱۸-۲۵ و (۶۲) نفر از ۲۵-۳۵ پاسخ ارائه نموده و همچنان (۲۸) نفر ۳۵-۴۵ و (۴) نفر به کتگوری سنی ۴۵-۶۵ همخوانی دارند.

جدول (۳) فراوانی پاسخ دهندگان نظر به سن

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid ۲۵-۱۸	۵۷	۳۷.۷	۳۷.۷	۳۷.۷
۲۵-۳۵	۶۲	۴۱.۱	۴۱.۱	۷۸.۸
۳۵-۴۵	۲۸	۱۸.۵	۱۸.۵	۹۷.۴
۴۵-۶۵	۴	۲.۶	۲.۶	۱۰۰.۰
Total	۱۵۱	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	

جدول (۴) آمار توصیفی آزمون خی دو

	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum
نرخ بالای مالیات	۲۰۳	۱۶.۷۶۳۵	۱.۶۸۹۵۹	۱۰.۰۰	۲۰.۰۰
پیچیدگی قوانین و مقررات	۲۰۳	۱۶.۲۶۶۰	۱.۸۴۷۷۱	۱۲.۰۰	۲۰.۰۰
سرمایه اجتماعی	۲۰۳	۱۷.۲۰۲۰	۱.۵۷۱۲۸	۱۳.۰۰	۲۰.۰۰
تورم	۲۰۳	۱۶.۱۷۲۴	۲.۱۴۶۸۰	۱۱.۰۰	۲۰.۰۰

جدول (۵) آمار استنباطی آزمون خی دو

	نرخ بالای مالیات	پیچیدگی قوانین و مقررات	سرمایه اجتماعی	تورم
Chi-Square	۱۲۲.۱۹۷ [□]	۸۱.۴۹۸ [□]	۱۱۸.۴۵۸ [□]	۱۰۰.۹۹۰ [□]
df	۸	۸	۷	۹
Asymp. Sig.	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰

از آنجایی که sig کمتر از ۵٪ است، H_0 رد می‌شود (نتیجه تفاوت معنی‌دار بین نرخ بالای مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم، با فرار مالیاتی وجود دارد) به عبارت دیگر نرخ بالای مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم بر فرار مالیاتی اثرگذار بوده پس می‌توان گفت فرضیه‌های پژوهش حاضر قابل قبول است.

وضعیت رتبه‌بندی متغیرها

میانگین رتبه هر کدام از ویژه‌های در جدول گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین (۱۰٫۶۵) مربوط به رواج فساد مالی، در نهایت منجر به عدم پایداری به‌قرار دادها می‌شود. به همین ترتیب مقررات و قوانین مالیاتی منجر به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی می‌گردد؛ با میانگین (۹٫۸۹) و افزایش نرخ مالیات باعث می‌شود که افراد کل درآمد خود را گزارش ندهند؛ با میانگین (۹٫۶۴) به همین ترتیب کوچک‌ترین میانگین (۶٫۴۱) مربوط به میزان اعتماد مردم به یکدیگر بر فرار مالیاتی تأثیرگذار است. می‌باشد.

جدول (۶) مقایسه میانگین رتبه‌ها

	Mean Rank میانگین رتبه‌ها
۱ یکی از دلایل عدم پرداخت مالیات، نرخ بالای آن است.	۸.۸۲
۲ افزایش نرخ مالیات منجر به کاهش ثروت افراد شده و از این‌رو، فرار از مالیات برای افراد جذاب‌تر می‌شود.	۸.۷۰
۳ افزایش حجم مالیات پرداختی، انگیزه برای شرکت در فعالیت‌های زیرزمینی و فرار از پرداخت مالیات را افزایش می‌دهد.	۸.۷۳
۴ افزایش نرخ مالیات باعث می‌شود که افراد کل درآمد خود را گزارش ندهند	۹.۶۴
۵ مقررات و قوانین مالیاتی منجر به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی می‌گردد.	۹.۸۹
۶ یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل رونق اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی، پیچیده بودن قوانین و مقررات مربوط به بازارهای کار و کالا هست.	۹.۱۶
۷ قوانین متعدد مالیاتی آزادی و اختیار افراد برای حضور در اقتصاد رسمی را کاهش می‌دهد	۶.۸۹

۸ عدم ساده سازی قوانین، درک آن را برای مؤدیان بسیار سخت نموده و می تواند تأثیر به سزایی در افزایش فرار مالیاتی داشته باشد.	۹.۰۷
۹ میزان اعتماد مردم به یکدیگر بر فرار مالیاتی تأثیرگذار است.	۶.۴۱
۱۰ اگر مردم اعتقاد داشته باشند که دیگر شهروندان مالیاتشان را پرداخت نمی کنند، آن ها نیز به سوی فرار مالیاتی متمایل خواهند شد.	۷.۸۶
۱۱ رواج فساد مالی، در نهایت منجر به عدم پایبندی به قراردادهای می شود.	۱۰.۶۵
۱۲ اعتماد مردم به دولت نقش تعیین کننده ای در میزان ارتکاب به فرار مالیاتی دارد.	۸.۵۱
۱۳ تورم می تواند بار مالیاتی حقیقی را افزایش دهد، لذا انگیزه کافی برای فعالیت در اقتصاد زیرزمینی را فراهم آورد.	۷.۶۶
۱۴ با ایجاد تورم میزان جریمه واقعی وضع شده روی فرار مالیاتی کاهش یافته و همین مسئله منجر به افزایش آن می گردد.	۸.۳۱
۱۵ ایجاد تورم با افزایش پدیدار شدن بازارهای زیرزمینی رابطه مستقیم دارد.	۶.۶۱
۱۶ در صورت تورم، درآمد حقیقی مؤدیان کاهش یافته و همین امر فرار مالیاتی را برای آنان جذاب تر می سازد.	۹.۰۸

جدول (۷) آزمون فریدمن

قبل از تفسیر جدول دیگر نخست باید این جدول را ارزیابی کرد و در صورت معنی دار بودن آزمون فریدمن، به تفسیر جدول توصیفی و میانگین رتبه بپردازیم، مقدار مجذورکای به دست آمده برابر با (۱۶۲.۰۹۰) است که در سطح خطا کمتر از (۰,۵) قرار دارد؛ و معنی دار بودن آزمون فریدمن به این معنی است که رتبه بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی رتبه بندی متفاوت دارند.

جدول (۷) آزمون فریدمن

N	۱۵۱
Chi-Square	۱۶۲.۰۹۰
Df	۱۵
Asymp. Sig.	.۰۰۰

توضیح جدول ضریب همبستگی:

ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای، Sig و تعداد داده ها را نشان می دهد. در این خروجی مقدار Sig بین متغیر قوانین و مقررات پیچیده مالیاتی و نرخ بالای مالیات (۰,۰۰۷) بوده که بالاتر از ۰,۵ است. بناً بین این دو رابطه- مثبت و معنی دار وجود؛ و بین سرمایه اجتماعی و تورم (۰,۴۲۷) که کوچکتر از ۰,۵ است، رابطه ضعیف و دارای همبستگی می باشد؛ رابطه بین تورم و نرخ بالای مالیات (۰,۰۰۷) یک رابطه مثبت وجود داشته و بین تورم و پیچیده بوده قوانین و مقررات رابطه وجود نداشته و دارای همبستگی می باشد؛ و همچنان بین قوانین پیچیده و سرمایه اجتماعی (۰,۰۰) می باشد. همچنان بین سرمایه اجتماعی و نرخ بالای مالیات نیز رابطه قوی وجود دارد.

جدول (۸) ضریب همبستگی بین متغیرها Correlations

		نرخ بالای مالیات	قوانین و مقررات پیچیده	سرمایه اجتماعی	تورم
نرخ بالای مالیات	Pearson Correlation	۱	.۲۱۸**	.۱۰۱	.۱۸۲
	Sig. (2-tailed)		.۰۰۷	.۵۴۰	.۲۶۷
	N	۱۵۱	۱۵۱	۳۹	۳۹
قوانین و مقررات پیچیده	Pearson Correlation	.۲۱۸**	۱	.۴۷۴**	.۱۳۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۷		.۰۰۲	.۴۲۷
	N	۱۵۱	۱۵۱	۳۹	۳۹
سرمایه اجتماعی	Pearson Correlation	.۱۰۱	.۴۷۴**	۱	.۲۶۸
	Sig. (2-tailed)	.۵۴۰	.۰۰۲		.۱۰۰
	N	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
تورم	Pearson Correlation	.۱۸۲	.۱۳۱	.۲۶۸	۱
	Sig. (2-tailed)	.۲۶۷	.۴۲۷	.۱۰۰	
	N	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹

یافته‌های تحقیق

فرار مالیاتی مسئله‌ای است که از چند جهت می‌تواند بر اقتصاد اثرگذار باشد. نخست اینکه، توانایی دولت را در جمع‌آوری مالیات و برآوردن نیازهای بودجه‌ای کاهش می‌دهد. در واقع، فرار مالیاتی با کاهش درآمد مالیاتی، توزیع بار مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده می‌تواند؛ از طریق محدود کردن گزینه‌های مورد انتخاب دولت، سیاست مالی را با مشکل روبه‌رو سازد. دوم اینکه، فرار مالیاتی می‌تواند یک سلسله تبعات منفی دیگر نیز برای اقتصاد به دنبال داشته باشد. برای مثال، تحمیل بار بر بودجه دولت، با مشکل روبه‌رو ساختن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و تأثیر منفی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه بخش خصوصی همراه است. فرار مالیاتی کمابیش گریبان گیر تمام، دولت‌ها بوده در این بین تنها میزان آنست که در جوامع مختلف تغییر می‌یابد.

تحقیق حاضر، تحقیق کاربردی نوع توصیفی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه به‌دست‌آمده و جامعه آماری این تحقیق را کلیه شرکت‌های که از پرداخت مالیه فرار نمودند؛ تشکیل می‌دهد. نمونه آماری تحقیق حاضر با استفاده از جدول مورگان به تعداد (۲۵۱) شرکت نمونه انتخاب گردیده است. برای تجزیه و تحلیل از آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف، فریدمن، الفای کرونباخ و ضریب همبستگی استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد که تفاوت معنی‌دار بین نرخ بالای مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم با فرار مالیاتی وجود دارد. آزمون فریدمن نشان داد که فساد اداری و قوانین مقررات پیچیده از جمله عوامل مهم در فرار مالیاتی مالیه دهندگان متوسط در ولایت بلخ محسوب می‌گردد. خروجی آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و قوانین پیچیده همبستگی قوی و معنی‌دار، بین تورم و سرمایه اجتماعی نیز همبستگی قوی و معنی‌دار وجود دارد.

پیشنهادها

- ✓ افزایش نظارت از شرکت‌ها از سوی دولت برای پرداخت مالیات.
- ✓ از بین بردن موانع و محدودیت‌های که باعث عدم پرداخت در مالیات می‌گردد، مانند ضعف اداره مالیاتی، بروکراسی و...
- ✓ موجودیت سیستم نظارتی از عملکرد سازمان و مؤدیان در قبال پرداخت مالیات.
- ✓ چاپ و نشر رهنمود مالیاتی و قرار دادن آن به دسترس تمام مراجعین.

منابع و مأخذ:

۱. امیری، میثم، (۱۳۹۴). اقتصاد رفتاری و فرار مالیاتی، فصلنامه، پژوهشنامه اقتصادی، سال هفتم، شماره شصت و چهار، ص ۲۲ و ۶۴.
۲. امین خاکی، علی‌رضا، (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی تحقق درآمدهای مالیاتی با رویکرد بر جرم فرار مالیاتی، پژوهشنامه کارگاه، دوره دوم، سال ششم، شماره ۲۱: ۲۶-۶۰.
۳. پژوهان، جمشید. (۱۳۹۰). اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها). تهران: انتشارات جنگل، چاپ هفتم ص ۱۲۳-۱۲۴.
۴. تینگار، سید محمد، (۱۳۹۴) اساسات امور مالی عامه، چاپ دوم، انتشارات: یوسف زاده: ۶۳، ۳۱ و ۷۰
۵. حجازی، رضوان، مینا ابوحمزه، محمدمهدی میرزایی، (۱۳۹۴). مسئولیت اجتماعی شرکتی، فصلنامه پژوهشی دانش حسابداری مدیریت ایران، سال چهارم، صص ۱۶ و ۸۶.
۶. حیدری، میر محمد فاروق؛ حیدری، میر محمد ظاهر. (۱۳۹۷). روش تحقیق (با رویکرد SPSS)، انتشارات: صلح، شماره ۲۱ ص ۷۸ و ۱۱۹.
۷. حیدری، میر محمد فاروق، (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مالیه دهندگان متوسط) در ولایت بلخ، انتشارات اولین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی، صص ۱۲ و ۱۴.
۸. خانی، عبدالله، کریم ایمانی، امین یوسفی، (۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر آن، مقاله پژوهشی گروه حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه اصفهان، صص ۷ و ۲۲.
۹. رزمی، سید محمدجواد، شراره کاوسی (۱۳۹۴) رابطه سرمایه اجتماعی و پذیرش مالیاتی: نقش میانجی‌گری اخلاق مالیاتی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دهم، شماره ۲، گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۷۸ و ۷۴.
۱۰. صمدی، علی حسین و تابنده رضیه. (۱۳۹۲). فرار مالیاتی در ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره نهم: مسلسل ۶۵: ۷۷-۱۰۶.
۱۱. عزیز خانی، فاطمه، غلام‌رضا افشاری، (ت.ن). فرار مالیاتی و تأثیر آن بر تولید ناخالص داخلی و توزیع درآمد، پژوهشگری دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، صص ۱۸۳ و ۴۱۳.
۱۲. کریمی، محمد شریف، سهراب دل‌انگیز، راضیه حیدریان (۱۳۹۷) تعیین عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران در دوره‌های ۱۳۹۴-۱۳۵۵ (روش تصحیح خطا برداری)، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۳ شماره ۲ صص ۳۷۰.
۱۳. لاری دشت بیاض، محمود، حمید خادم، علی عبدی، زهرا مرویان حسینی، (۱۳۹۳). بررسی اخلاق مؤدیان بزرگ مالیاتی از دیدگاه پست‌مدرن، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و چهارم، صص ۱۰ و ۱۳ و ۴۱.
۱۴. محمد بیگی، ابوالفضل، نرگس محمد صالحی، محمدعلی کل، (۱۳۹۳) روایی و پایایی ابزارها، روش‌های مختلف و اندازه‌گیری آن‌ها در پژوهش‌های کاربردی در سلامت، مجله دانشگاه پزشکی فسنجان، دوره سیزدهم، شماره دوازدهم: صص ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶.

۱۵. مرادی، مهدی، امین رستمی، رضا تقی زاده، (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از پرداخت مالیات، با تأکید بر عوامل فرهنگی، پژوهش نامه مالیات، شماره هجدهم، ص ۱۸۱ و ۱۸۸.
۱۶. نورانی، سید و محمد رضا، (۱۳۸۸)، فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، انتشارات: مرکز پژوهش های دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ص ۳ و ۴۱.
۱۷. هادیان، ابراهیم، (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، شماره هجدهم: ۳۹-۵۸.

Akram, Mohammad and Mohammad Muazzam, (2012), Lahore Pakistan Tax Evasion, journal of economics and behavioral studies Vo 4: 217-22

